

پیامدهای دفاعی امنیتی برگزیت بر همگرایی اروپا

مریم رحیمی

دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمود سید

استادیار گروه تاریخ، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا ۰۲۷۱-۲۰۰۸) - سال ۱۵ شماره ۵۶ - صفحه ۳۱۹-۲۹۶

تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۱

چکیده

رفراندوم ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶ مردم بریتانیا، قانون خروج این کشور از اتحادیه اروپا که به برگزیت معروف شد را تصویب کرد. هرچند پیامدهای خروج بریتانیا بیشتر سیاسی و قضایی می باشد اما واکنش دولت ها و مردم کشورهای دیگر و برگزاری همه پرسی ملل عضو و شوک های فراوانی بر اقتصاد و بازارها را به همراه دارد. بریتانیا یکی از دو کشور اتحادیه اروپاست که انحصار توانایی نظامی همه جانبه از جمله توان هسته ای و یکی از ۶ کشوری که تامین هزینه ۲ درصدی از تولید ناخالص داخلی در امر دفاعی امنیتی را داراست.

بریتانیا در برابر طرح های دفاعی اتحادیه مقاومت و به مخالفت با ادغام بیشتر در این زمینه پرداخت. سوال اصلی این مقاله آن است که مهمترین پیامدهای دفاعی و امنیتی برگزیت بر همگرایی اتحادیه اروپا کدام است؟ در این مقاله از رویکرد توصیفی-تحلیلی به شیوه کتابخانه ای استفاده شده است.

کلید واژه: اتحادیه اروپا، برگزیت و بریتانیا

بعد از جنگ جهانی دوم تلاش‌های بسیاری برای دست یابی به امنیت مشترک و سیاست‌های دفاعی در اروپا صورت گرفته است. معاهده دونکرک در سال ۱۹۴۷ میان دو کشور انگلستان و فرانسه نمونه یک موافقت نامه همکاری متقابل و یک اتحاد اروپایی بعد از جنگ جهانی دوم بود. این موافقتنامه همکاری متقابل اتحاد اروپایی بعد از جنگ جهانی دوم بود. این موافقتنامه در سال ۱۹۴۸ به ماده ۴ از معاهده بروکسل که در آن کشورهای بنلوکس^۱ عضویت داشتند افزوده شد. برای رسیدن به اهداف معاهده، در سال ۱۹۴۸ سازمان دفاعی اتحادیه غربی^۲ با ساختار فرماندهی اروپایی متحد، تحت فرمان «فیلد مارشال»^۳ انگلیسی تأسیس شد. در سال ۱۹۴۹ ایالات متحده و کانادا در پاسخ به معاهده بروکسل بر اساس ماده ۵ از پیمان آتلانتیک شمالی توافقنامه (کانادا) در پاسخ به معاهده بروکسل بر اساس ماده ۵ از پیمان آتلانتیک شمالی توافقنامه‌های دفاعی متقابل را به امضا رساندند. در سال ۱۹۵۰، پیشنهاد تشکیل انجمن دفاعی اروپا (EDC) همانند انجمن زغال سنگ و فولاد اروپا پس از عدم تصویب در پارلمان فرانسه با شکست رو به رو شد. سازمان دفاعی اتحادیه غربی در طول جنگ کره (۱۹۵۰-۱۹۵۳) تقویت شد و آماده پیوستن به پیمان آتلانتیک شمالی بود. عدم تشکیل «انجمن دفاعی اروپا» منجر به اصلاح پیمان بروکسل در کنفرانس‌های لندن و پاریس شد که در آن اتحادیه اروپایی غربی بدون در نظر گرفتن سازمان دفاعی اتحادیه غربی که قبل از آن تأسیس شده بود پایه گذاری شد.

^۱. کشورهای بنلوکس عبارتند از: بلژیک، هلند، لوکزامبورگ.

^۲. Western Union Defense Organization.

^۳. Field Marshal.

قبل از پایان جنگ سرد نیز تلاش‌هایی برای ایجاد یک ساختار دفاعی و امنیتی مستقل در اروپا صورت گرفت که اولین مورد آن جامعه دفاعی اروپای غربی بود که اعضا اصلی آن ۵ کشور انگلیس، فرانسه، بلژیک، لوگزامبورک و هلند بودند که یک سال پس از شکل گیری، به علت استقرار نیروهای ناتو که از ترس توسعه طلبی رو به رشد اتحاد جماهیر شوروی صورت گرفته بود، اتحادیه اروپای غربی^۴ را که سرنوشت خود را با اصل «دفاع مشترک» گره زده بودند تحت الشعاع قرار داد.

پس از تأسیس ناتو و ایجاد جمهوری فدرال آلمان در سال ۱۹۴۹، ایالات متحده آمریکا برای ایجاد ارتشی منسجم در آلمان غربی تلاش بسیاری داشت تا این ارتش با تکیه بر جمعیت زیاد آن کشور، پشتوانه نیروهای آمریکایی مستقر در آلمان باشد. در مقابل این اقدام آمریکا، نخست وزیر وقت فرانسه، خواستار ایجاد جامعه دفاعی اروپا^۵ شد تا نیروهای فرانسه و آلمان تحت یک فرماندهی واحد اروپایی متحد شوند. «کنراد آدنائر»^۶، صدر اعظم آلمان غربی، جامعه دفاعی اروپا را به وسیله‌ای که توجه کشورش را مجدداً به امور اروپا جلب کند تشبیه کرد و به جمع طرفداران و حامیان طرح نخست وزیر فرانسه پیوست. در نهایت فرانسه این طرح را پس گرفت، چرا که تصور می‌کرد با توجه به زمان کمی که از جنگ جهانی دوم می‌گذرد، زمان مناسبی برای سربازان فرانسوی نباشد تا تحت فرماندهی کشوری دیگر، به ویژه آلمان‌ها خدمت کنند. با این وجود، در سال ۱۹۵۵ آلمان غربی با ایجاد نیروهای مسلح و تعداد ۵۰۰۰۰۰ سرباز و بدون حضور افسران ارشد به ناتو پیوست.

در همان زمان که طرح اتحاد نظامی اروپا مطرح شد، کشورهای اروپایی به همکاری اقتصادی نیاز مبرم داشتند. امروزه آثار ریشه‌های جامعه زغال سنگ و فولاد اروپا^۷ که به علت نیاز صنایع کشورهای آلمان، فرانسه، ایتالیا، بلژیک، لوگزامبورگ و هلند در سال ۱۹۵۲ تشکیل شد کاملاً

^۴ Western European Union (WEU).
^۵ European Defense Community (EDC).

^۶ Konrad Adenauer.
^۷ European Coal and Steel Community (ECSC).

مشهود است، مشارکت آلمان در جامعه زغال سنگ و فولاد اروپا، آغاز بهبود روابط فرانسه و آلمان بود. در سال ۱۹۵۷، جامعه اقتصادی اروپا^۸ برای تسهیل در روابط تجاری گسترده‌تر تشکیل شد و در سال ۱۹۶۷ جامعه اقتصادی اروپا با جامعه زغال سنگ و فولاد اروپا به منظور ایجاد جامعه اروپا ادغام شد.

در پیمان سال ۱۹۹۱ اروپا که به پیمان ماستریخت شهرت دارد، جامعه اروپا^۹ به یک نهاد اقتصادی و سیاسی تبدیل شد. در واقع ماستریخت طرحی اقتصادی و سیاسی برای اروپای متحد بود که پایه و اساس تشکیل (یورولند)^{۱۰} قرار گرفت، این پیمان برای تبدیل اروپای غربی از یک بلوک اقتصادی به سیاسی بسیار حائز اهمیت بود. در سال ۱۹۹۲، در نشست وزرای دفاع و امور خارجه اتحادیه اروپای غربی در پترزبورگ، آلمان، مفاهیم دفاعی ماستریخت را مطرح کرد. در سال ۱۹۹۳، اعضای اتحادیه اروپای غربی با تکیه بر پیمان ماستریخت و به منظور افزایش توان دفاعی اروپا، شناسایی و تعیین نیروهای نظامی که تحت فرمان اتحادیه اروپای غربی قرار می‌گرفتند را آغاز کردند. برترین نیروهای سپاه اتحادیه اروپا که از نیروهای لشکر زرهی آلمان و فرانسه تشکیل شده بود، به ۶۰۰۰۰ سرباز شامل ۴ لشکر از کشورهای بلژیک، فرانسه، اسپانیا و آلمان ارتقا یافت که در استراسبورگ فرانسه مستقر بودند. در پی ناتوانی اتحادیه اروپا در فروپاشی یوگسلاوی، اتحادیه اروپا پیمان ماستریخت را با پیمان آمستردام در سال ۱۹۹۷ اصلاح کرد. هدف از پیمان آمستردام تطبیق دادن اهداف بیش از حد بلندپروازانه سیاست امنیتی و خارجی مشترک با مفاهیم موجود در اتحادیه برای نیل به این اهداف بود. در این پیمان اصلاحی، دو پیشنهاد به طور قابل توجهی چهره سیاست امنیتی مشترک در حال ظهور را تغییر داد. در پیشنهاد اول، با حذف بند «نقش احتمالی» در دفاع مشترک از اتحادیه اروپا، آزادی عمل ماستریخت گسترش یافت و پیشنهاد دوم، امکان یکپارچه سازی اتحادیه اروپای غربی به اتحادیه

European Economic Community(EEC).^۸

European Community (EC).^۹
. Euroland^{۱۰}

اروپا را مورد تأکید قرار می‌داد. این اولین باری بود که اتحادیه اروپا به نقش دفاع مشترک اروپا به عنوان نقشی که تاکنون ناتو بر عهده داشت اشاره می‌کرد.

چارچوب نظری:

واگرایی و همگرایی :

همگرایی ریشه در مکتب ایدئالیسم و واگرایی ریشه در مکتب رئالیسم سیاسی دارد .

همگرایی : فرآیندی است که طی آن واحدهای سیاسی به طور داوطلبانه از اقتدار نام خود برای رسیدن به اهداف مشترک صرف نظر و از یک قدرت مافوق ملی پیروی می‌کنند، این نظریه بعد از جنگ دوم جهانی قوت گرفت، زمانی که جهان بر اثر آموزه‌های رئالیستی و پیروی تام از منافع دولتی باعث به وجود آمدن جنگ خانمان سوز شده بود. این نظریه مبتنی بر ۴ دسته است: کارکردگرایی، نئوکارکردگرایی، فدرالیسم، نظریه مبادله.

1- **کارکردگرایی:** واحدهای مجزای ملی در چارچوب بسته‌ی خودشان قادر به رفع نیازشان

نیستند، یک سری سازمان بین‌المللی و فرامرزی برای صلح و کم کردن تنش‌جات به وجود می‌آید تا کشورها بیشتر بر جامعه بین‌المللی توجه کنند تا نسبت به مرزهایشان .

2- **نئوکارکردگرایی :** لزوماً همگرایی‌های اقتصادی تعبیر به همگرایی‌های سیاسی نمی‌

شوند. روی اسلوب‌های چانه‌زنی نخبگان تأکید می‌کنند. مهم است که در همگرایی به چانه زنی نخبگان توجه شود، اگر بازیگران سیاسی مجاب شوند که تحقق اهداف و منافعشان جز در سایه تفویض قدرتشان به یک دستگاه فراملی میسر نیست همکاری می‌کنند .

3- **فدرالیسم:** اتحاد و وحدت بین دول در یک واحد فوق ملی بر اساس یک قانون اساسی

الزام آور است.

4- مبادله: در این گزینه اهمیت داده می‌شود به کمیت و کیفیت مبادلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بین واحدهای گوناگون (سیف‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۰۷).

واقع‌گرایی نئوکارکردگرایان بیشتر از کارکردگرایان است. در فرآیند همگرایی باید کیفیت مبادلات را آنقدر بالا برد که منجر به همبستگی شود. در همگرایی بین‌المللی بایستی به تساوی‌گرایی توجه داشت، یعنی باید کشورها کم و بیش به صورت مساوی در یک اتحاد شرکت داشته باشند. یکی از مهم‌ترین مباحثی که تاکنون در خصوص اتحادیه اروپا مطرح بوده است، چگونگی تبیین روند همگرایی در این اتحادیه می‌باشد. در واقع آنچه سبب شده است این موضوع اهمیتی دوچندان پیدا کند، ماهیت ویژه اتحادیه اروپا می‌باشد. از این حیث که اتحادیه اروپا شباهت بسیار اندکی با دیگر واحدها و مجموعه‌های سیاسی منطقه‌ای دارد. با این حال اتحادیه اروپا تاکنون موفق‌ترین الگوی همگرایی منطقه‌ای به شمار می‌آید و رقیب منطقه‌ای دیگری نظیر آن پیدا نشده است. از زمان تشکیل اتحادیه اروپا، نظریه‌های گوناگون تلاش کرده‌اند تا چرایی، چگونگی و نتایج فرایند همگرایی را مورد بررسی قرار دهند. کارکردگرایان بر ضرورت تأمین نیازهای ابنا بشری و تأمین رفاه عمومی، نوکارکردگرایان بر مسأله تسری، بین دولت‌گرایان بر نقش اجماع داخلی و مذاکره‌های بین‌دولتی، سازه‌انگاران بر مسائل هویتی و تعامل‌های بین‌دولتی، نهادگرایان بر تشکیل نهادهای فراملی و نواقع‌گرایان بر توازن قوا در نظام بین‌الملل و فدرالیست‌ها بر رویکرد تجویزی برای جایگزینی جنگ با حاکمیت قانون در مسائل بین‌المللی و بهترین گزینه برای مدیریت مشترک و راه‌اندازی سیاست‌های مشترک تأکید دارند. با وقوع حوادث بحرانی در اروپا به طور مجدد توجه اندیشمندان برای تحلیل این فرایند به این منطقه معطوف شده است. نظریه پردازی در مورد فرایند همگرایی اروپایی این گونه بیان می‌کند که با اینکه اکثر این نظریه‌ها در مراحل شکل‌گیری خود متأثر از تجربه همگرایی اروپایی و به نوعی نیز خود بازتاب دهنده این فرایند می‌باشند، اما هنوز نتوانسته‌اند آئینه تمام‌نمایی برای درک و فهم پیچیدگی‌ها و حتی تناقض‌های همگرایی در اتحادیه اروپا می‌باشند (بیاتی، ۱۳۹۶: ۲۷).

«هویت جمعی و همگرایی اروپایی»، با بهره‌گیری از نظریه‌های هویتی توضیح می‌دهد که چرا اتحادیه هنوز نتوانسته است به یک نهاد فوق ملی مستقل از اراده سیاسی اعضای خود تبدیل شود. در حقیقت، طبق این دیدگاه، توسعه جغرافیایی، نهادی و کارکردی اتحادیه اروپا منجر به شکل‌گیری یک هویت جمعی برای این اتحادیه نشده است. «چرخش‌های ایدئولوژیک در سیاست اروپایی» موضوعی است که به بحران هویت احزاب سیاسی، ریشه‌ها و عوامل آن و نیز تأثیر این پدیده بر سیاست در اروپا می‌پردازد. موضوع «جدایی‌طلبی در اتحادیه اروپا» که توجه همگان به موضوع همگرایی اروپایی جلب شده است، به نظر می‌رسد که برخی تمایل‌های سنتی ملی‌گرایی و جدایی‌طلبی در اروپا هنوز وجود دارد، موضوعی که اگر تقویت شود، می‌تواند مانعی جدی در مسیر توسعه و تعمیق همگرایی به شمار آید. «معمای مشروعیت در اتحادیه اروپا»، موضوعی است که کسری دموکراسی و خلاء مشروعیت در اتحادیه اروپا را مورد بحث قرار می‌دهد، اما تأثیر آن بر کند شدن فرایند همگرایی اروپایی را آشکار می‌کند (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۶).

اعلامیه سنت مالو: تغییر ناگهانی سیاست بریتانیا

در سال ۱۹۹۸ نخست وزیر بریتانیا، «تونی بلر»^{۱۱}، بر خلاف سیاست دیرینه آن کشور با ادغام نظامی اروپا مخالفت کرد. تا آن زمان، توسعه سیاست امنیتی و خارجی مشترک بر پایه سه اصل ناگفته استوار بود، اول آنکه، این امر می‌تواند در چارچوب مفاد ناتو توسعه یابد. اصل دوم، اتحادیه اروپای غربی می‌تواند به عنوان وسیله‌ای موجب افزایش همکاری دفاعی میان کشورهای اروپایی شود و در نهایت، اتحادیه اروپا نمی‌تواند نقشی در دفاع از اروپا داشته باشد (kaveshNikov، ۲۰۱۶: ۶۶). بیانیه تاریخی سنت مالو فیما بین فرانسه و بریتانیا در سال ۱۹۹۸ به این موضوعات خاتمه داد.

Anthony Charles Lynton Blair .^{۱۱}

از سوئی با عدم پذیرش پارلمان بریتانیا در پیوستن به یورو، «تونی بلر» که از حامیان این طرح محسوب می‌شد، در تنگنا قرار گرفت و لذا موضوع دفاعی اروپا راه حلی برای دولت بلر بود تا شکاف ایجاد شده بین بریتانیا و اروپا را تا حدی ترمیم کند (Hanson, ۲۰۱۶: ۴۲).

در سنت مالو کشورهای اروپایی با پشتوانه دو نیروی قدرتمند اروپا، مدعی شدند که دارای توان نظامی هستند.

علل شکل‌گیری نهاد دفاعی و امنیتی اروپا^{۱۲}

در اوایل دهه ۱۹۹۰، در بوسنی، به علت عدم توانایی دفاعی اروپا و عدم تمایل آمریکایی‌ها به مداخله و درگیری در آستانه اروپا، بیش از هزاران نفر از مردم به معنای واقعی کلمه قتل عام شدند. تغییر و تحولات نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد باعث شد که آمریکا به عنوان فرا ابر قدرت لقب گیرد. یعنی کشوری که قادر و مایل است به طور یکجانبه به زور متوسل شود. این امر باعث شد تا اروپاییان، به ویژه فرانسویان از یکجانبه‌گرایی آمریکا شاک و نگران باشند. آنها از تک‌روی‌های آمریکا در سازمان و پیمان آتلانتیک شمالی نگران بودند، لذا به موجب آن اروپاییان ناگزیر بودند تا به دنبال آمریکا حرکت کنند. رژیم امنیتی که در اروپا بعد از ماستریخت شکل گرفت به «(نهاد) امنیتی و دفاعی اروپا» شهرت یافت که در آن جنبه‌های هویتی و فرهنگی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. نهاد دفاعی و امنیتی مورد بحث دارای ۵ اصل مهم است،

اصل یکم؛ حفظ ارزش‌های بنیادین و منافع آن.

اصل دوم؛ حفظ استقلال و یکپارچگی اتحادیه.

اصل سوم؛ تقویت امنیت اتحادیه.

European Defense and security Institute(ESDI).^{۱۲}

اصل چهارم؛ حفظ صلح و امنیت بین الملل.

اصل پنجم؛ تقویت همکاری‌های بین المللی و حمایت از دموکراسی، قانون، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی.

کارشناسان و صاحب‌نظران سه عامل را به عنوان عوامل اصلی شدت گرفتن موضوع هویت امنیتی و دفاعی اروپا در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ شناسایی کرده‌اند که عبارتند از:

- نفوذ سیاسی و اقتصادی اروپا در صحنه جهانی بدون پشتوانه یک بخش نظامی اروپایی.
- نارضایتی از عدم توانایی اروپا و متوقف کردن جنگ‌های داخلی بالکان که در واقع هویت امنیتی و دفاعی اروپا می‌خواست با افزایش توانایی اتحادیه اروپا به منظور مداخله در بحران‌های مشابه بالکان نیاز به ناتو را از میان بردارد.
- در نهایت عامل سوم در تقویت هویت امنیتی و دفاعی اروپا، رابطه تیره بین اتحادیه اروپا و ایالات متحده در آن زمان است. مسائل متعددی در دهه ۱۹۹۰ این سوال را در ذهن اروپایی‌ها ایجاد کرد که آیا می‌بایست روابط میان دو سوی اقیانوس اطلس از نو بازتعریف شود؟ (Belke, ۲۰۱۷: ۵۶).

استراتژی امنیت اروپا

استراتژی امنیت اروپا یک سند سیاسی است که مسئولیت پیش نویس آن را نماینده ارشد اتحادیه اروپا در سیاست امنیتی و خارجی مشترک، «خاویر سولانا»^{۱۳} برعهده داشت و در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۳ توسط شورای اروپا در بروکسل به تصویب رسید. در سرتیتر این سند عبارت «غروب‌های امن در یک دنیای بهتر» به چشم می‌خورد. با ظهور سیاست دفاعی و امنیتی مشترک اروپایی، اروپا برای نخستین بار استراتژی تدوین شده‌ای را در دست داشت. استراتژی امنیتی اروپا^{۱۴} یک

^{۱۳} Javier Solana .

^{۱۴} . European Security Strategy (ESS) .

سری از این چالش‌ها را برای مقابله شناسایی نمود که عبارتند از: مقابله با تروریسم، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، درگیری‌های منطقه‌ای و جرایم سازمان یافته.

آژانس دفاعی اروپا

آژانس دفاعی اروپا^{۱۵} در جولای سال ۲۰۰۴ تشکیل شد و مقر آن در بروکسل است. این آژانس وظیفه دارد تا با بهبود بخشیدن به قابلیت‌های دفاعی کشورهای عضو، اهداف سیاست دفاعی و امنیتی مشترک را که در سند استراتژی امنیت اروپا آمده است، تکمیل کند. کشورهای عضو هر یک مسئولیت مالی و برنامه‌ریزی دفاعی خودشان را بر عهده دارند. چهار استراتژی، چارچوب فعالیت‌های آژانس در کشورهای عضو را تشکیل می‌دهند که عبارتند از:

- طرح توسعه توانایی^{۱۶}
- تحقیقات و فناوری دفاعی اروپا^{۱۷}
- همکاری تسلیحاتی اروپایی^{۱۸}
- بنیان صنعتی و فناوری دفاعی اروپا^{۱۹} (کولایی: ۲۰۰۳، ۴۸)

۳- نقش بریتانیا در سیاست دفاعی و امنیتی مشترک

بریتانیا بر خلاف دفاع از سیاست مشترک نظامی، در ترویج ایجاد دو طرح دیگر درون سازمان امنیت و همکاری اروپا نیز مشارکت داشته است. اولین اقدام بریتانیایی‌ها این بود که منجر به ایجاد گروه‌های مبارز در اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴ شد. این‌ها هجده واحد متحدان ارتش چندجانبه هستند که از مشارکت کشورهای عضو تشکیل شده و تحت کنترل شورای اتحادیه اروپا قرار دارند. شرکت کنندگان در یک نشست فرانکو - بریتانیا در سال ۲۰۰۳ در لوتوئیت

^{۱۵} European Defense Agency (EDA)

^{۱۶} The Capability Development Plan (CDP)

^{۱۷} The European Defense Research & Technology

^{۱۸} The European Armaments Cooperation (EAC)

^{۱۹} The European Defense Technological and Industrial Base (EDTIB)

پیشنهاد کردند که اتحادیه اروپا یک سازمان آژانس دفاعی را ایجاد و آن را توسعه دهد هدف آژانس به عنوان توسعه توانایی‌های دفاعی در زمینه مدیریت بحران، ترویج و ارتقاء همکاری‌های قوای نظامی اروپا، تقویت پایگاه صنعتی و تکنولوژیکی اروپا و ایجاد یک بازار رقابتی اروپایی در زمینه دفاع، توصیف شد.

در سال ۲۰۱۱، ویلیام هوگو، وزیر امور خارجه، مخالفت بریتانیا را با ایجاد یک ستاد مشترک توضیح داد و گفت: که هر پیشنهاد موجب وتو از بریتانیا خواهد شد: ما با این [ایده] مخالف هستیم؛ زیرا فکر می‌کنیم که ساختارهای ناتو را تکرار می‌کنیم و برنامه‌های اتحادیه اروپا را از برنامه ناتو به طور دائم جدا می‌سازیم که در حال حاضر می‌توان با بهبود سازه‌هایی که وجود دارد، این کار انجام شود.

یک اثر جانبی از بحث خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا این است که بر توانایی‌های بریتانیا برای ادامه همکاری در زمینه امنیتی و دفاعی از طریق روابط دوجانبه بین خود، تأکید شده است. مرور دفاعی و امنیتی استراتژیک^{۲۰}، تأکید بر روابط کلیدی دو جانبه دفاعی و امنیتی دو کشور (بریتانیا و اتحادیه اروپا) با فرانسه، آلمان و لهستان است. خود اتحادیه اروپا نیز پس از ناتو، ایالات متحده، فرانسه، آلمان و شرکای اروپایی خاص خود در مرور دفاعی و امنیتی استراتژیک فهرست بندی شده است. بریتانیا دارای روابط دوجانبه دفاعی نیز با فرانسه است. پیمان لنکستر^{۲۱} که در سال ۲۰۱۰ امضا شد، در آن توافق شد که یک نیروی اعزامی مشترک با همه سرویس‌های مسلح، و همکاری بیشتر در توسعه تجهیزات، بتواند توانایی‌هایی را ایجاد کند. در آوریل ۲۰۱۶، نیروهای مسلح بریتانیا و فرانسه با انجام تمرینات گریفین در منطقه دشت سالیسبوری و همچنین در دریا، نیروی اعزامی مشترک خود را نیز آزمایش کردند. این هدف در تست تجهیزات، آموزش و همکاری با استفاده از وسیله نقلیه و تجهیزات هر دو کشور بود که همزمان با جنگنده‌های مشترک ارتش ناتو، که بیشتر آن در ساحل اسکاتلند قرار داشت، انجام شد. بریتانیا به طور خاص به آلمان به عنوان یک شریک در ارتباطات امنیتی، اطلاعاتی و استراتژیک در سال ۲۰۱۵ اشاره

^{۲۰} Strategic Defense and Security Review (SDSR)
^{۲۱} Lancaster House

کرد. در ژانویه ۲۰۱۶، یک بیانیه جدید در زمینه همکاری‌های بین‌المللی و کاهش هزینه‌های پشتیبانی به هواپیماهای معمولی، به ویژه A۴۰۰Ms و Typhoons، اشاره شد. در سال ۲۰۱۶ میلادی، آلمان به طور خاص به بریتانیا اشاره می‌کند و می‌گوید که برلین قصد دارد بیشتر در زمینه‌هایی که مورد «علاقه مشترک» است گسترش یابد. مرور دفاعی و امنیتی استراتژیک بریتانیا «روابط ویژه» با ایالات متحده را تأیید می‌کند. اینگونه استدلال می‌شود که «میزانی از همکاری بین بریتانیا و آمریکا در زمینه‌های هسته‌ای، اطلاعاتی، دیپلماسی، فن آوری و قابلیت‌های نظامی نقش مهمی در تضمین امنیت ملی ما ایفا می‌کند». به لحاظ تاریخی، بریتانیا با ایالات متحده نسبت به اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو ارتباط بیشتری دارد. ترامپ از اروپا و ناتو نگران شد و گفت که از کشورهای عضو در ماده V ناتو حمایت خواهد کرد، به شرط آنکه اگر آنها سهم منصفانه خود را از هزینه‌های دفاع ۲٪ به دست آورند. با این حال، رئیس‌جمهور آمریکا گفت: که حمایت خود را از ناتو دوباره تأیید کرده است. نگرانی در مورد اینکه ایالات متحده چه اهمیتی برای امنیت اروپا دارد، به ویژه در مورد مسائلی مانند روسیه، که می‌تواند انگیزه اتحادیه اروپا برای تمرکز بر مسائل امنیتی و دفاعی را فراهم کند (Hylke، ۲۰۱۶:۲۴).

پیامدهای دفاعی – امنیتی خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا

بریتانیا همواره مخالف الگوبرداری از ساختارها و ابزارهای ناتو، اعمال اصلاحات در ساختارهای دفاعی اتحادیه اروپا و یا افزایش بودجه سیاست امنیتی و دفاعی مشترک بوده است و همواره برای اتحادیه اروپا در حوزه امنیت و دفاع خود نقشی فرعی در نظر می‌گیرد. این مهم در اسناد راهبرد امنیت ملی بریتانیا^{۲۲} و مرور دفاعی و امنیتی راهبردی بریتانیا به خوبی قابل مشاهده است. همچنین کمک‌های لندن به سیاست امنیتی و دفاعی مشترک چندان جدی نبود و بیشتر همکاری‌ها در زمینه مأموریت‌های غیرنظامی (کنترل مرزی) صورت می‌پذیرفت. تعهد بریتانیا نسبت به سیاست دفاعی و امنیتی مشترک اعلامیه سنت مالو در سال ۱۹۹۸ اعلام و سپس توسط

^{۲۲} National Security Strategy (NSS).

نخست وزیر تونی بلرو رئیس جمهور ژاک شیراک^{۲۳} آغاز شد. این اعلامیه واکنشی به بحران بالکان بود که محدودیت توانایی‌های اتحادیه اروپا را در پاسخ دادن به بحران‌ها در محیط پیرامون خود برجسته کرد. این اعلامیه نیاز به یک سیاست مشترک را در دفاع از خود اعلام کرد. این امر راه را برای سیاست دفاعی اروپا، که متعاقبا در پیمان لیسبون به سیاست دفاعی و امنیتی مشترک تغییر نام داد هموار ساخت.

اعضای اروپایی با منابع نظامی مهم مانند ایتالیا، یونان یا اسپانیا از این وضعیت برای افزایش نفوذ و قدرت در امنیت اروپا استفاده خواهند کرد. آلمان و فرانسه به لطف خروج بریتانیا، قدرت خود را نیز تقویت خواهند کرد. در سطح سیاسی، خروج بریتانیا موجب می‌شود برخی از اولویت‌های کشورهای اروپایی که در دستور کار اتحادیه اروپا است و بریتانیا آن را وتو کرده است مورد توجه قرار بگیرد. فرانسه علاقمند به بهبود تلاش‌های نظامی و مأموریت‌های مدنی، به ویژه در شمال آفریقا است. در مقابل، آلمان علاقمند به هماهنگ کردن سیاست‌های دفاع ملی و قابلیت‌های نظامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا است. این مباحث، نقش امنیت اروپا را با پروژه‌های ادغام اروپایی مرتبط خواهد کرد. آن دسته از دولت‌های عضو که خواهان ادغام بیشتر در حوزه دفاع هستند، تمامی منابع خود را به کارایی گروه‌های مبارز اروپا می‌سپارند (۲۰۱۷: ۶, Hastings, et al).

در پیمان لیسبون آمده است: اگر یک کشور عضو، قربانی تجاوز مسلحانه در قلمرو خود شود، سایر کشورهای عضو باید به وسیله تمام ابزارهایی که در اختیار آن‌ها قرار دارد، به تعهدهای خود عمل کرده و کمک‌هایی را ارائه کنند. در سطح نظامی، اتحادیه اروپا یکی از قدرتمندترین نیروهای نظامی خود را از دست خواهد داد (June, ۲۰۱۷: ۲۵). با در نظر گرفتن به مأموریت‌های سیاست دفاعی و امنیتی مشترک، بریتانیا در مأموریت‌های اتحادیه اروپا شرکت نمی‌کند، مگر اینکه یک قرارداد جدید با اتحادیه اروپا امضا کند. به همین خاطر، بریتانیا قادر

^{۲۳} Jacques Chirac .

نخواهد بود بر نحوه اجرای این مأموریت‌های سیاست دفاعی و امنیتی مشترک تأثیر بگذارد. سیاست خارجی دفاعی و امنیتی بریتانیا، هرگز از طریق اتحادیه اروپا دنبال نشده است. بریتانیا، به عنوان یکی از منابع نظامی در اروپا و در جهان، شبکه خارجی و امنیتی خود را در موافقت‌نامه‌های دو جانبه با سایر سازمان‌های بین‌المللی، ایجاد کرده است. بریتانیا دومین عضو مهم، سازمان نظامی (ناتو) در جهان است. به این معنا توانایی‌های نظامی بریتانیا اجازه نخواهد داد که این کشور در سیاست خارجی و امنیتی منزوی شود. بریتانیا از طریق ناتو، با امنیت اروپا هماهنگی خواهد داشت (Gimeno, ۲۰۱۷: ۱۹). دیگر پیامد سیاسی برای بریتانیا در مورد تصویر خروج است. خروج بریتانیا یک تصویر از آسیب‌پذیری و ظرفیت امنیتی کمتری را در بریتانیا ایجاد می‌کند. این تصویر لازم نیست که در عالم واقع، واقعیت داشته باشد، اما کشورهای دیگر می‌توانند بریتانیا را در شرایط امنیتی شکننده‌تر درک کنند، زیرا بریتانیا چتر امنیتی اتحادیه اروپا را ندارد.

بریتانیا در برابر طرح‌های دیگر مطرح شده برای اتحاد دفاعی در اتحادیه اروپا مقاومت کرده است.

یک اثر جانبی از بحث خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا این است که بر توانایی‌های بریتانیا برای ادامه همکاری در زمینه امنیتی و دفاعی از طریق روابط دو جانبه تأکید شده است. مرور دفاعی و امنیتی راهبردی بریتانیا، بر روابط کلیدی دو جانبه دفاعی و امنیتی با فرانسه، آلمان و لهستان تأکید می‌کند. بریتانیا دارای روابط دو جانبه دفاعی با فرانسه است. در پیمان «خانه لُنکِستر^{۲۴}»، که در سال ۲۰۱۰ امضا شد، توافق شد که یک نیروی اعزامی مشترک^{۲۵} با همه سرویس‌های مسلح و همکاری بیشتر در توسعه تجهیزات، توانایی ایجاد شود. در آوریل ۲۰۱۶، نیروهای مسلح بریتانیا و فرانسه با انجام تمرینات گریفین^{۲۶} در منطقه دشت سالیسبوری و همچنین در

^{۲۴}. Lancaster House

^{۲۵}. Combined Joint Expeditionary Force (CJEF)

^{۲۶}. Griffin

دریا، نیروی اعزامی مشترک خود را آزمایش کردند. هدف از این اقدام، آزمایش تجهیزات، آموزش و همکاری با استفاده از وسیله نقلیه و تجهیزات از هر دو کشور بود (Malcom, 2018: 42).

اتحادیه اروپا چگونه باید به تصمیم بریتانیا مبنی بر خروج از اتحادیه پاسخ دهد؟ این سؤال است که در مرکز سیاسی در اروپا مطرح بوده است، زیرا خروج بریتانیا به یک واقعیت سیاسی تبدیل شده است. نقطه شروع آن، تلاش برای پاسخ دادن به سؤال در مورد چگونگی اصلاح اتحادیه اروپا است که امروزه اتحادیه اروپا، نه تنها در بریتانیا، بلکه در سایر نقاط اتحادیه اروپا تصویری منفی دارد. به گفته بسیاری از تحلیل‌گران، این امر به شکل دموکراتیک از اتحادیه اروپا می‌پردازد (Pain, et al, 2016: 403).

اگرچه بریتانیا همچنان از این امکان برخوردار است تا در آینده نیز در مأموریت‌های سیاست امنیتی و دفاعی مشترک در چارچوب یک موافقت‌نامه مشارکت ساختارمند شرکت کند، اما از نقش آفرینی در تعیین دستور کار این تیم مأموریت‌ها و یا حضور در مراحل ابتدایی برنامه‌ریزی این قبیل برنامه‌ها محروم خواهد شد. به عبارت دیگر، توانمندی‌های نظامی بریتانیا دیگر در اختیار اتحادیه اروپا نخواهد بود و بروکسل از در اختیار داشتن نیروهای بریتانیایی در سرویس اقدام خارجی محروم خواهد شد. در اولویت بودن همکاری با سازمان ناتو نیز شرایطی را فراهم کرده است تا بریتانیا در سال‌های اخیر به تمام تصمیم‌های گرفته شده در نشست «سنت مالو» پایبند نباشد. در کوتاه مدت، اتحادیه اروپا درگیر انجام مذاکره با بریتانیا در خصوص نحوه خروج این کشور و همچنین شیوه ارتباط و مناسبات بروکسل و بریتانیا خواهد بود. پیامد خروج بریتانیا، افزایش فعالیت بیشتر احزاب اروپا ستیز در کشورهایی همچون فرانسه و هلند و اعلام درخواست از سوی آنها برای برگزاری همه‌پرسی در این کشور بوده است (آقایی، ثمودی، ۱۳۹۷: ۱۱۷).

در بلندمدت خروج بریتانیا می‌تواند اتحادیه اروپا را با چالش انتخاب میان دو گزینه مواجه کند: حمایت از همگرایی و ادغام بیشتر و یا توقف تعمیق همگرایی و یا کاهش همگرایی در برخی حوزه‌ها (همان: ۱۱۸).

پیامدهای منفی و مثبت برگزیت بر سیاست‌های دفاعی و امنیتی اروپا

با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، این اتحادیه یکی از بازیگران مهم سیاست امنیتی و دفاعی مشترک اروپایی را از دست می‌دهد. زیرا لندن و پاریس در مجموع ۴۰ درصد سرمایه‌گذاری در حوزه دفاعی در اروپا را در اختیار خود دارند. بریتانیا همچنین یکی از معدود اعضای پایبند به تعهدهای خود در چارچوب ناتو و اختصاص ۲ درصد تولید ناخالص داخلی به حوزه دفاعی است. همچنین با توجه به این که شکل‌گیری سیاست امنیتی و دفاعی مشترک نتیجه برگزاری نشست «سنت مالو»^{۲۷} بود، ساختار این سیاست تغییر خواهد کرد و محور پاریس - برلین جایگزین محور پاریس - لندن خواهد شد. به‌ویژه آنکه آلمان با انتشار راهبرد خود در حوزه سیاست امنیتی و خارجی در ۱۳ جولای ۲۰۱۶ علاقمندی خود به ایفای نقش پررنگ‌تر در حوزه دفاعی و امنیتی نشان داده است (Barker, ۲۰۱۷: ۳). خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا درست در زمانی اتفاق می‌افتد که کشورهای اروپایی بیش از هر زمانی با بحران‌های امنیتی رو به رو هستند. بحران مهاجرت، روابط تنش‌آلود با روسیه بر سر اوکراین و از همه مهم‌تر تهدید داعش و حمله‌های تروریستی انجام شده از سوی این گروه در کشورهای اروپایی همگی شرایط امنیتی نامطلوبی را به وجود آورده است.

با خروج بریتانیا، وتوی لندن در حوزه‌های امنیتی از بین می‌رود و شرایط برای مطرح شدن برنامه‌های جدید در حوزه دفاعی (از جمله ایده استقرار یک مقر فرماندهی عملیات دائمی در بروکسل برای طراحی، نظارت و اجرای مأموریت‌های اتحادیه اروپا فراهم می‌شود. همچنین دولت‌های عضو اتحادیه اروپا به سمت هماهنگ ساختن توانمندی ساختارهای دفاعی و

^{۲۷} Saint-Malo .

تشکیل اتحادیه دفاع اروپایی حرکت خواهند کرد. همچنین امکان ایجاد یک مقر فرماندهی عملیاتی وجود دارد، امری که می‌تواند به اتحادیه اروپا ظرفیت بیشتری برای فرماندهی و کنترل مأموریت‌های نظامی دهد. همچنین در چند وقت اخیر حمایت‌ها هر چند لفظی از ایده ارتش واحد اروپایی افزایش یافته است. همچنین با خروج بریتانیا محور پاریس - برلین تقویت خواهد شد و احتمالاً با محور رم - مادرید تکمیل می‌شود. فعالیت‌های کشورهای اروپایی در قالب همکاری ساختارمند دائم جدی‌تر خواهد شد (Whitman, ۲۰۱۶:۵).

چشم انداز آینده اتحادیه اروپا

اگرچه بریتانیا همیشه مهمترین بازیگر نیست، اما به وضوح نقش سازنده‌ای در سیاست امنیتی و دفاعی مشترک اروپایی دارد. بریتانیا ابراز تمایل شدیدی برای مشارکت در منطقه‌ی امنیتی و دفاعی اتحادیه اروپا دارد. با این وجود، تصمیم خود را برای انجام این کار، بستگی به مسیری می‌داند که اتحادیه اروپا در سیاست امنیتی و دفاعی به وجود می‌آورد. از زمانی که اتحادیه اروپا به خروج از بریتانیا رأی داد، بعضی از کشورهای عضو، حداقل به طور لفظی ایده‌ی ارتش اروپایی را به طور جدی‌تر مورد توجه قرار داده‌اند. به ویژه این نیاز، به «تعمیق همکاری‌های دفاعی و ارائه قابلیت‌های مورد نیاز با هم» و همچنین نیاز به حمایت از سیاست‌های «قابلیت اعتماد، قابلیت گسترش، قابلیت همکاری پایدار و چند منظوره غیر نظامی و نظامی» را مشخص می‌کند.

برخی از مهمترین موارد عبارتند از:

۱- سرویس فعالیت خارجی اروپا^{۲۸}: که برای ارائه پیشنهادات خود برای کشورهای عضو، در مورد بازنگری مجدد مناطق فعلی برای مأموریت‌های غیرنظامی و سیاست امنیتی و دفاعی مشترک که با توجه به محیط امنیتی تغییر می‌کند و اشاره خاصی به مبارزه با تهدیدهای ترکیبی از طریق ایجاد ظرفیت‌های مشترک در امنیت زمینی و دریایی دارد.

۲- تقویت همکاری‌های دفاعی و جلوگیری از تقسیم شدن بخش‌های دفاعی اتحادیه اروپا:

^{۲۸} European External Action Service (EEAS).

هدف نهایی، ایجاد یک گزارش مختصر سالیانه در مورد دفاع برای به اشتراک گذاشتن برنامه‌های ملی و نوع هزینه‌ها و نحوه ارتباط آنها با تلاش مشترک و همچنین توانایی شناسایی بین شکاف‌ها است.

۳- آژانس دفاعی اروپا: باید پیشنهادی را در مورد چگونگی بهتر همکاری‌های ساختار یافته و موثر و هماهنگی بهتر و تلاش‌های بیشتر برای تحقیق و فناوری ایجاد کند.

۴- بررسی ساختارها و قابلیت‌های موجود: برای برنامه ریزی و انجام مأموریت‌ها و عملیات‌های سیاست امنیتی و دفاعی مشترک به ویژه تقویت همکاری‌های غیر نظامی و نظامی.

۵- ارتقاء پاسخ سریع اتحادیه اروپا به ابزار موجود: از جمله افزایش بودجه عمومی برای گروه‌های مبارز اتحادیه اروپا و انجام تمرینات منظم نظامی و غیر نظامی.

۶- برای تأمین مالی: به اشتراک گذاشته شدن و نیز بسیج جامع و کافی برای بودجه‌های انعطاف پذیرتر.

۷- کشف یک پتانسیل همکاری واحد و جامع ساختار دائمی: که شامل تعهدات مربوط به هزینه‌های دفاعی، توسعه قابلیت‌ها و مشارکت عملیاتی است.

۸- ارتقاء همکاری‌های سیاست دفاعی و امنیتی مشترک: با سازمان‌هایی مانند سازمان ملل متحد، ناتو، سازمان امنیت و همکاری اروپا و اتحادیه آفریقا است.

همچنین، بدون بریتانیا، کشورهایمانند اتریش و ایرلند، که به یکپارچگی کامل دفاعی و امنیتی مقاوم هستند، یک قهرمان را نیز در این زمینه از دست خواهند داد. سازگاری واقعی به عنوان یک مسئله ادامه خواهد یافت تا زمانی که یکپارچگی نظامی بیشتر انجام شود. فرانسه نشان داد که مایل است در امور نظامی به طور یک جانبه عمل کند، همانگونه که توسط مداخله-گری در مالزی و جمهوری آفریقای مرکزی در سال ۱۳۹۲ نیز نشان داده است. چنین اقدام مداخله گرایانه‌ای با برخی از دیدگاه‌های اتحادیه اروپا مخالف است. مطمئناً آلمان در امور نظامی و دفاعی بیشتر فعال است. (Schuman, ۲۰۱۶: ۱۶-۲۲).

اگر چه بریتانیا همچنان از این امکان برخوردار است تا در آینده نیز در مأموریت‌های سیاست امنیتی و دفاعی مشترک در چارچوب یک موافقت‌نامه مشارکت ساختارمند شرکت کند، اما از نقش‌آفرینی در تعریف دستور کار این مأموریت‌ها و یا حضور در مراحل ابتدایی برنامه‌ریزی این قبیل برنامه‌ها محروم خواهد شد. به عبارت دیگر، توانمندی‌های نظامی بریتانیا دیگر در اختیار اتحادیه اروپا نخواهد بود و بروکسل از در اختیار داشتن نیروهای بریتانیایی در سرویس اقدام خارجی محروم خواهد شد.

نتیجه‌گیری :

اگر چه بریتانیا قصد خروج از اتحادیه اروپا را دارد، اما همچنان روابط امنیتی بروکسل و لندن در چارچوب سازمان ناتو، سازمان امنیت و همکاری اروپا، شورای اروپا و دیگر ساختارهای امنیتی اروپا ادامه خواهد یافت. از سوی دیگر، انتشار راهبرد جدید اتحادیه اروپا با عنوان «راهبرد جهانی اتحادیه اروپا در سیاست خارجی و امنیتی مشترک»^{۲۹} ژوئن ۲۰۱۶ و تأکید بر اتخاذ رویکرد یکپارچه برای حل منازعه‌ها و بحران‌ها به عنوان یکی از پنج اولویت اصلی اقدام خارجی اتحادیه اروپا و اعلام این موضوع که اتحادیه اروپا دیگر صرفاً یک قدرت مدنی نیست، همگی حکایت از این دارد که بروکسل نیازمند استمرار همکاری با بریتانیا در حوزه امنیتی، دفاعی و سیاست خارجی است. اگرچه برگزیت می‌تواند شوک روانی مهمی بر همگرایی اروپایی باشد، اما از زمان برگزاری همه‌پرسی برگزیت تحولات مثبتی در حوزه دفاع و امنیت اروپا به وجود آمده است. تکمیل مقر فرماندهی نظامی اتحادیه اروپا در تابستان ۲۰۱۷، آغاز همکاری ساختارمند

۲۹ . A Global Strategy on Foreign and Security Policy for the European

دائم در دسامبر ۲۰۱۷ (زیبای خفته پیمان لیسبون به تعبیر یونکر رئیس کمیسیون اروپا)، تشکیل صندوق دفاع اروپایی در ۲۰۱۷ و اختصاص ۶۰۰ میلیون یورو هر سال تا ۲۰۲۰ و ۱/۵ میلیارد یورو پس از آن برای نوآوری فنی، پژوهش دفاعی و فناوری از مهم‌ترین تحول‌های صورت گرفته در دو سال اخیر است.

همچنین آثار دفاعی و امنیتی برگزیت بر بریتانیا در صورت عدم تحقق ترتیبات دلخواه آن در صورتی که ترتیبات دفاعی و امنیتی پیشنهادی بریتانیا پس از خروج این کشور مورد توافق با اتحادیه قرار نگیرد و امکان همکاری با اتحادیه در قالب سازوکارهای سیاست دفاعی و امنیتی مشترک برای این کشور مهیا نگردد، بریتانیا مسیر دیگری را پیش خواهد گرفت که از آن جمله: مشارکت در ناتو، سازمان امنیت و همکاری در اروپا و توافقات دوجانبه با کشورهای عضو است. خروج بریتانیا به معنای کاهش نفوذ یکی از بانیان ناتو یعنی بریتانیا در آن نخواهد شد و این امر به صورت غیرمستقیم موضوع دفاع و امنیت در اتحادیه را نیز شامل می‌شود. علیرغم آنکه در بسیاری از تحلیل‌ها روی کاهش جایگاه نظامی بریتانیا در اتحادیه مانور داده می‌شود، اما واقعیت چیز دیگری است. همان‌گونه که فرمانده سابق ارتش بریتانیا «ژنرال سر مایک جکسون» گفته است: پیامد خروج از اتحادیه اروپا «موضوعی بیشتر سیاسی و قضایی است تا موضوعی نظامی؛ و بُعد نظامی حضور بریتانیا در امر دفاع و امنیت با حضور این کشور از خلال ناتو پُر می‌شود». همچنین در پژوهشی که مجلس عوام بریتانیا منتشر کرده نیز آمده: «پیامد برگزیت بر مسئله نظامی بریتانیا در میان‌مدت و کوتاه‌مدت بسیار حداقلی استهرچند در طولانی‌مدت توانایی بریتانیا برای اثرگذاری یا شکل دادن به پیشرفت دستور کار سیاست دفاعی

و امنیتی مشترک به شکلی چشمگیر کاهش خواهد یافت». با این همه، برگزیت آسیب تدریجی به صنایع دفاعی بریتانیا وارد خواهد آورد و این به آن معناست که بریتانیا باید از بازار واحد اروپا خارج شده و مشتریان خود را در جای دیگر بیابد و شرکت‌های بریتانیایی به دشواری امکان حضور در زنجیره تأمین اتحادیه را خواهند یافت.

فهرست منابع

۱. آقایی، سید داود و ثمودی، علیرضا (۱۳۹۲). حوزه‌های اختلاف و رقابت میان اتحادیه اروپا و روسیه، تهران: فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۱، بهار. ص ۶۷.
۲. کولایی، الهه (۱۳۹۰)، سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی، تهران: انتشارات سمت. ص ۴۸.
۳. سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۸). اصول روابط بین‌الملل (الف و ب)، تهران: انتشارات میزان. ص ۱۲.
۴. بیاتی، عبدالحمید (۱۳۹۶). چالش‌های مهم اتحادیه اروپا در ۲۰۱۷، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. ص ۳۹.
۵. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۲) تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت، چاپ هشتم. ص ۲۷.

Resources

۶. Schuman, R. (2017). *White Paper On The Future Of Europe*. European Union: European Commission. Retrieved October 2, 2018, from https://ec.europa.eu/.../white_paper_on_the_future_of_europe_en
۷. Whitman, A. (2016). *CAUSES AND CONSEQUENCES: A BRITISH*

- PERSPECTIVE . United Kingdom: Department of Politics & International Relations. Retrieved May 9, 2017, from on the UK, the EU and Brexit,
۸. Barker, E. (2017). Brexit: Its implications on European Union's Defense Policy. European Union: European Army Interoperability Center. Retrieved July 6, 2017, from www.finabel.org
 ۹. Pain, C (2016). *The Economic Consequences of Brexit: A Taxing Decision*. Germany: OECD Publishing. Retrieved July 12, 2017, from <https://oecdoscope.blog/2016/04/27/the-economic-consequences>
 ۱۰. Malcom, P (2017). The Eurozone Crisis and the effect of Brexit. *Journal of Management*, 97-100. Retrieved July 3, 2017, from <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13501763.2018.1467900>
 ۱۱. Gimeno , M. (2017). Consequences of Brexit in terms of Security for the United Kingdom and the European Union . Barcelona: Universitat Autònoma de Barcelona. Retrieved July 27, 2017, from <http://data.worldbank.org/>
 ۱۲. June , B (2013). *Future Scenarios for the Eurozone 15 Perspectives on the Euro Crisis*. Germany: friedrich Ebert Stiftung. Retrieved May 23, 2018, from <https://www.netzwerk-ebd.de/nachrichten/fes>
 ۱۳. Hastings Dunn , D., & Webber, M. (2017). The UK, the European Union and NATO: Brexit's unintended consequences. *Global Affairs*, 6-9. Retrieved August 18, 2017, from <http://www.tandfonline.com/loi/rgaf20>
 ۱۴. Hylke , P. (2002). *The Europeanization of British Foreign Policy and the Crisis in Zimbabwe*. USA: Popsis, European Research Institute. Retrieved May 12, 2018, from www.lse.ac.uk/internationalRelations/centresandunits/EFPU
 ۱۵. Belke, A., & Gros, D. (2017). *The Economic Impact of Brexit: Evidence from Modelling Free Trade Agreements*. London: Ruhr Economic Papers. Retrieved May 23, 2018, from <https://link.springer.com/article/10.1007/s11293-017-9553-7>
 ۱۶. Hanson, P. (2016). *What Future for the EU After Brexit?* United

- Kingdom: ZBW – Leibniz Information Centre for Economics. Retrieved December 23, 2018, from https://www.ceps.eu/system/files/IEForum52016_1
۱۷. kaveshNikov, N. (2016). *Four Scenarios for European Integration*. russia: Russian International Affairs Council. Retrieved December 23, 2018, from <https://economics.rabobank.com/globalassets/documents/2017>